

## چکیده

تبعید یکی از کیفرهای معین در حقوق جزایی اسلام است که دارای پیشینه‌ای تاریخی بوده و قرآن و روایات بر مشروعیت آن دلالت دارند. در فقه، نفی بلد به معانی متفاوتی از جمله حبس، اعدام و غرق نمودن در دریا و غیره تعبیر شده است ولی قول مشهور آن به معنای دور کردن یا اخراج فرد از شهر و روانه کردن او به جای دیگر است. تبعید در جرائم خاصی مانند زنای غیرمحصن، محاربه و قوادی کیفر حدی بوده و در سایر موارد همچون لواط، سرقت، قتل فرزند، جاسوسی و ... که محلّ اختلاف است، مجازات تعزیری شمرده شده و در صورت صلاحدید حاکم شرع وضع گردیده و مقررات آن نیز بستگی به نظر او دارد.

در فقه، مسائلی چون مکان، زمان، مسائل خانوادگی فرد تبعیدی، نفقه، تبعید زنان و غیره مورد بحث واقع شده و در حقوق موضوعه نیز در خصوص نحوه اجرای کیفر تبعید در موارد حدی، به لزوم تحت‌الحفظ بودن محکومین یا چگونگی معاشرت یا مدت زمان محکومیت آنان اشاره شده است و در موارد تعزیری نیز که آیین‌نامه‌ها بیشتر ناظر به آن است، به تعیین نقاط اقامت اجباری، امکان تبدیل تبعید به حبس یا جزای نقدی و همچنین آزادی مشروط آنان پرداخته شده است. برای تبعید آثار مثبت و منفی زیادی ذکر شده که در صورت رفع مشکلات و اتخاذ تدابیر مناسب از سوی دولت، دادرسان امر می‌توانند در بسیاری از موارد از آن‌ها بهره‌جویند.

**کلید واژگان:** تبعید، حد، تعزیر، محاربه

# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

## بخش اول: کلیات

- فصل ۱: مفهوم لغوی تبعید و واژه های مشابه آن ..... ۱
- ۱-۱- معنای تبعید ..... ۱
- ۲-۱- معنای نفی ..... ۲
- ۳-۱- معنای تغریب ..... ۳
- فصل ۲: مفهوم اصطلاحی تبعید ..... ۴
- فصل ۳: مفهوم حقوقی تبعید ..... ۶
- فصل ۴: مفهوم فقهی تبعید ..... ۹
- ۱-۴- تبعید به معنای حبس ..... ۹
- ۲-۴- تبعید به معنای غرق نمودن در دریا ..... ۱۲
- ۳-۴- تبعید به معنای اهلاك یا اعدام ..... ۱۴
- ۴-۴- حبس در تبعیدگاه ..... ۱۵
- ۵-۴- تبعید به معنای ظاهری (دور کردن از وطن یا از شهری به شهر دیگر) ..... ۱۷

## بخش دوم: تاریخچه تبعید و مبانی مشروعیت آن

- فصل ۱: تاریخچه کیفر تبعید ..... ۲۱
- ۱-۱- پیشینه تبعید در تاریخ اسلام ..... ۲۱
- ۱-۲- پیشینه تبعید در کشورهای غربی ..... ۲۳
- ۳-۱- پیشینه تبعید در تاریخ ایران ..... ۲۵
- فصل ۲: مبانی مشروعیت تبعید ..... ۲۷

- ۲۷..... کتاب (قرآن مجید) ۱-۲-۱
- ۲۸..... شأن نزول آیه ۱-۱-۲
- ۳۰..... تفسیر آیه ۲-۱-۲
- ۳۱..... بررسی تبعید در آیه موردنظر ۳-۱-۲
- ۳۳..... سنت (روایات و سیره معصومین) ۲-۲
- ۳۶..... عقل ۳-۲
- ۳۷..... اجماع ۴-۲
- ۳۸..... **فصل ۳: حد یا تعزیر بودن تبعید**
- ۳۸..... تعریف حدّ و تعزیر ۱-۳
- ۳۹..... موارد تعزیر ۲-۳
- ۴۰..... دلایل قائلین به حدّ یا تعزیر بودن تبعید ۳-۳
- ۴۲..... نتیجه ۴-۳

### بخش سوم: موارد کیفر تبعید در فقه و حقوق

- ۴۳..... **فصل ۱: تبعید زانی غیر محصن**
- ۴۴..... روایات شیعی ۱-۱
- ۴۶..... روایات سنی ۲-۱
- ۴۸..... آرای فقهای شیعه ۳-۱
- ۵۱..... آرای فقهای اهل سنت ۴-۱
- ۵۴..... در قانون مجازات اسلامی ۵-۱
- ۵۵..... مسائل تکمیلی بحث زنا ۶-۱
- ۵۵..... تعریف محصن ۱-۶-۱
- ۵۵..... تبعید از کدام شهر(شهر زنا یا شهر جلد یا شهر زانی)؟ ۲-۶-۱

۵۸.....	۳-۶-۱- حکم تبعید زن و مرد زناکار به یک شهر.....
۵۸.....	۴-۶-۱- حکم زانی کافر.....
۵۹.....	۵-۶-۱- هتک حرمت مردگان.....
۶۰.....	۶-۶-۱- حکم زناى غریب یا زنا در تبعیدگاه.....
۶۲.....	۷-۶-۱- حکم زناى فرد زندانى.....
۶۲.....	۸-۶-۱- حکم زناکار بدون وطن.....
۶۳.....	<b>فصل ۲: تبعید محارب.....</b>
۶۳.....	۱-۲- تعریف لغوی محاربه.....
۶۵.....	۲-۲- تعریف محاربه در فقه.....
۶۵.....	۱-۲-۲- تعریف محاربه به قطع طریق و راهزنی.....
۶۸.....	۲-۲-۲- تعریف محاربه به "تَجْرِيدُ السَّلَاحِ لِإِخَافَةِ النَّاسِ".....
۷۱.....	۳-۲-۲- تعبیر به محاربه به قصد افساد.....
۷۲.....	۴-۲-۲- تعریف محاربه به مبارزه با حرکت های اسلامی و حکومت اسلامی.....
۷۴.....	۳-۲- تعریف محاربه در حقوق موضوعه ایران.....
۷۵.....	۴-۲- تخییری یا ترتیبی بودن کیفر محارب.....
۷۶.....	۱-۴-۲- قول تخییر.....
۷۹.....	۲-۴-۲- قول ترتیب (تنويع).....
۸۶.....	۳-۴-۲- اقوال علمای اهل سنت.....
۸۹.....	۵-۲- علل سقوط مجازات تبعید.....
۹۲.....	<b>فصل ۳: تبعید قواد.....</b>
۹۲.....	۱-۳- تعریف قیادت (قوادى).....
۹۳.....	۲-۳- قیادت در روایات.....

۹۳	۳-۳- آرای قائلین به تبعید قوآد .....
۹۶	۳-۴- آرای قائلین به جلد در قوآدی .....
۹۶	۳-۵- حد قوآدی در قانون مجازات اسلامی .....
۹۷	فصل ۴: تبعید لواط کننده .....
۹۸	فصل ۵: تبعید سارق .....
۱۰۱	فصل ۶: تبعید قاتل فرزند .....
۱۰۳	فصل ۷: تبعید قاتل ذمی .....
۱۰۵	فصل ۸: تبعید شارب خمر در ماه رمضان .....
۱۰۷	فصل ۹: تبعید مثله کننده بدن میّت .....
۱۱۰	فصل ۱۰: تبعید مخنّث فاسد .....
۱۱۰	۱۰-۱- مخنّث در لغت و اصطلاح .....
۱۱۱	۱۰-۲- بررسی روایات و آرای شیعه و سنی .....
۱۱۴	فصل ۱۱: تبعید جاسوس مسلمان .....

### بخش چهارم: نحوه اجرای کیفر تبعید در فقه و قانون موضوعه ایران

۱۱۹	فصل ۱: بررسی مسائل اجرایی تبعید از منظر فقه .....
۱۱۹	۱-۱- مدت زمان تبعید .....
۱۲۲	۱-۲- مبنای محاسبه ایام تبعید .....
۱۲۳	۱-۳- مکان تبعید .....
۱۲۸	۱-۴- مسائل خانوادگی افراد تبعیدی .....
۱۲۹	۱-۴-۱- انقطاع زوجیت .....
۱۳۰	۱-۴-۲- همراهی خانواده در تبعیدگاه .....
۱۳۲	۱-۴-۳- چگونگی پرداخت نفقه .....

۱۳۴	۵-۱- مرخصی در ایام تبعید
۱۳۶	۶-۱- حکم تبعید به بلاد شرک
۱۳۷	۷-۱- اتمام تبعید
۱۳۹	۸-۱- حکم تبعید زنان
۱۴۳	۹-۱- موانع تبعید
۱۴۳	۱-۹-۱- بیماری
۱۴۵	۲-۹-۱- دین
۱۴۵	۳-۹-۱- حبس
۱۴۶	۴-۹-۱- مفسده
۱۴۷	۵-۹-۱- اجیر بودن
۱۴۸	۶-۹-۱- ناامنی
۱۵۰	<b>فصل ۲: بررسی مسائل اجرایی کیفر تبعید در قانون موضوعه ایران</b>
۱۵۰	۱-۲- اجرای حکم تبعید حدی
۱۵۱	۲-۲- اجرای حکم تبعید تعزیری
۱۵۴	۳-۲- نقدی بر آیین نامه اجرایی محکومین به تبعید
۱۵۶	۴-۲- فوائد و آثار مثبت تبعید
۱۵۷	۵-۲- مشکلات و آثار منفی تبعید
۱۶۰	<b>نتیجه گیری</b>
۱۶۳	<b>پیشنهادات</b>
۱۶۴	<b>فهرست مراجع و منابع</b>

## مقدمه

تبعید یکی از چهار کیفر مطرح در آیه محاربه بوده و در روایات نیز در موارد متعددی به آن اشاره شده است. در فقه در موارد متعددی، کیفر تبعید به عنوان مجازات مجرم در نظر گرفته شده است که در اثر آن فرد تبعیدی که موجب فساد یا ناامنی در جامعه گردیده است، طبق نظر حاکم شرع از محل زندگی خود دور شده و به شهر دیگری انتقال می یابد. در قانون اساسی ایران نیز که منبعث از منابع دینی بوده و به امضای فقها و حقوق دانان متشرع رسیده است، کیفر تبعید در خصوص برخی از جرائم لحاظ گردیده و در موارد لازم اجرا می گردد.

اما جرائمی هستند که بر سر مجازات آن ها میان فقها اختلاف نظرهایی وجود دارد و این اختلاف در قانون جزا این گونه تأثیر گذاشته است که دیگر تبعید به عنوان مجازات آن ها در قانون مقرر نشده است. نکته بسیار مهم دیگری که در فقه و قوانین موضوعه مربوط به تبعید ملاحظه می شود این است که صرفاً به وضع حکم تبعید اکتفا نشده است بلکه تبعات و مسائلی که به دنبال اجرای حکم تبعید ممکن است به وجود آیند نیز توجه شده است. درحقیقت، تفاوت اساسی ما به عنوان حکومت اسلامی با سایر کشورها به ویژه ممالک غیردینی در این مطلب است که قانونگذار در آن کشورها هرگز خویش را ملتزم به تبعیت از دین ندانسته و قوانین و کیفرهای مصوب آن ها مجعول بشری و بنا بر اراده و خواست حکومت و گروه ها می باشد که در اندک زمانی تغییر خواهد کرد ولی در کشورهای اسلامی چون قوانین از کتاب و سنت سرچشمه می گیرد، به مراتب محکم تر بوده، خللی در آن راه ندارد. هرچند که با وجود اجتهاد در فقه شیعه، احکام به روزرسانی شده و از خمودی و ناکارآمدی به دور مانده و انعطاف دارد. تبعید نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در موارد کیفر تعزیری، حاکم اختیار دارد که در صورت صلاحدید، در مواقع لزوم از آن استفاده نموده و احکام الهی را در جامعه اجرا نماید.

## ۱- تعریف و تبیین موضوع

نفی بلد یا تبعید در لغت به معنای دورکردن از شهر یا از محلی به محل دیگر راندن است. در اصطلاح نیز به همین معنی استعمال می شود و مقصود از آن این است که فردی که دچار جرم خاصی به طور مثال زنا یا محاربه شده است، طبق نظر حاکم شرع و به حکم دادگاه از وطن خود اخراج شده و به شهر دیگری منتقل می گردد و در آن شهر تحت الحفظ بوده و به طور تنها و منزوی به سر می برد و به هر شهری که تبعید می گردد، از طرف حاکم شرع به مردم آن شهر نوشته می شود که با او همنشینی نداشته باشند و حتی با او خرید و فروش و معامله هم نکنند تا این که آن شخص وادار به توبه گردد و توبه نماید. در فقه و قانون موضوعه ایران تبعید برای جرائم خاصی در نظر گرفته می شود و احکام خاصی دارد در این رساله مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه های متفاوت در خصوص آن بیان شده است.

## ۲- ضرورت و اهداف تحقیق

هدف از اعمال مجازات در نظام کیفری اسلام و حقوق موضوعه، نمود عدالت تأمین امنیت و حفظ نظم و آسایش و نیز تعالی معنوی انسان ها و پیشگیری از وقوع جرم می باشد. یکی از کیفرهای بسیار مهم و شرعی که از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است مجازات تبعید می باشد. از آن جا که این نهاد از دو صبغه ی مجازات و پیشگیری به عنوان اقدام تأمینی و تربیتی برخوردار می باشد. بنابراین شایسته است از منظر فقه - هم شیعه و هم سنی- و حقوق به خصوص قانون مجازات اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و با نحوه اجرای آن در حقوق ایران آشنا شد.

## ۳- پرسش های اصلی تحقیق

پرسش هایی که در این رساله مطرح شده است و به آن ها پرداخته شده است از این قرارند:

۱- حکم تبعید در اسلام، از احکام تأسیسی است یا امضایی؟



۲- در چه مواردی مجازات تبعید اعمال می شود و ملاک تعیین زمان و مکان آن چیست؟

۳- آیا اعمال مجازات تبعید در جرائم دیگر غیر از محاربه از نظر شرع و قانون موضوعه جایز است؟

#### ۴- فرضیه ها

۱- کیفر تبعید دارای مشروعیت شرعی و قانونی بوده و با توجه به پیشینه ی تاریخی آن پیش از اسلام، از احکام امضایی است.

۲- تبعید در فقه و حقوق موضوعه، در جرائمی مانند زنای فرد غیرمحصن، محاربه و قوادی به عنوان حد و در سایر موارد از باب تعزیر اعمال می شود و ملاک تعیین زمان و مکان آن بسته به نظر حاکم شرع است.

۳- کیفر تبعید حدّی را در غیر موارد ذکر شده در کتاب و سنّت نمی توان به کار برد ولی حکم کیفر تبعید تعزیری را می توان به جرائم دیگر هم تعمیم داد.

#### ۵- پیشینه ی تحقیق

با وجود سابقه ی طولانی و جایگاه متنوع تبعید که این نهاد را از سایر نهادهای کیفری متمایز می نماید، ولی تحقیقات صورت گرفته نشان داد که پژوهش و کار تحقیقی قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است. لذا این موضوع از نظر منابع و مراجع تحقیقاتی به خصوص به زبان فارسی در مضیقه بوده و از کتب محدودی که به طور ویژه به این موضوع پرداخته اند مانند کتاب "النفی و التغریب" اثر شیخ نجم الدین طبری که از نگاه روایات و نظرات فقهای شیعه و سنی به تبیین دقیق بحث پرداخته است، بیشترین استفاده شده است. همچنین از پایان نامه ها و کتاب هایی که مرتبط با بخش های مختلف تحقیق بوده است و به تناسب به تحقیق موردنظر کمک می کرده است، بهره گرفته شده است. در کتب فقهی و حقوقی اعم از شیعه و سنی مورد رجوع نیز در خلال بحث های

دیگر به مقدار بسیار کمی در مواقع لزوم به بحث تبعید اشاره شده بود که از همان‌ها در جمع آوری تحقیق استفاده گردید.

#### ۶- روش و مراحل انجام کار تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت، فقهی-حقوقی است و از نظر روش، با توجه به بررسی اسناد و متون قدیم و جدید کتابخانه ای می باشد. ولی درعین حال از مقالات و کتب موجود در سایت های مختلف به روش اینترنتی نیز بهره گرفته شده است.

در این تحقیق با پژوهش در کتب علوم انسانی اعم از فقهی و حقوقی، فیش برداری از آرا و نظریات فقهای متقدم و متأخر و حقوقدانان صورت گرفته و پس از ترجمه متون عربی و بررسی آن‌ها، تحقیق موردنظر گردآوری شده است.

#### ۷- ابعاد کاربردی تحقیق

موضوع تبعید در این تحقیق از این زاویه که به طور همه جانبه از نظر فقهی و حقوقی هم به طور نظری و هم در مسائل اجرایی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین از جایگاه مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی نیز به آن پرداخته شده و مفاهیم دیگر آن همچون حبس و حبس در تبعیدگاه و نهادهای مشابه و نحوه اجرا در این رساله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، بنابراین برای قضات و محاکم دادگستری و دانشجویان حقوق و حتی قانونگذار کاربرد فراوان داشته و به عنوان مجازاتی جایگزین می تواند مقدمه‌ی پژوهش دیگر قرار بگیرد.

## فصل ۱: مفهوم لغوی تبعید و واژه های مشابه آن

اصولاً بررسی و تجزیه و تحلیل هر موضوعی اقتضا می‌کند که ابتدا برداشت صحیح و مناسبی از مفهوم و معنای موضوع ارائه گردد. به قول ابن سینا تعریف حقیقی هر شیء به نظر غیرممکن می‌باشد، ولی تعریف مادیات به ذکر جنس و فصل امکانپذیر است و این امر مانع از تعریف قریب به واقع آن واژه به لحاظ لغوی، اصطلاحی و ... نمی‌گردد.

مفهوم تبعید از منظر فقه و حقوق و در نگاه فرهنگ نویسان متفاوت و در قوانین مدون جمهوری اسلامی با عناوین متعددی مشاهده می‌شود. در کتب فقهی معادل کلمه تبعید، دو اصطلاح "تغریب" و "نفی" یا "نفی بلد" به همین معنا بسیار استعمال شده است که در این بخش به بررسی دقیق‌تر هر کدام از این واژه‌ها پرداخته خواهد شد.

### ۱-۱- معنای تبعید

تبعید در لغت به معنی "دور کردن، نفی بلد کردن کسی از شهر، بیرون کردن و به جای دیگر فرستادن می‌باشد."<sup>۱</sup>

در فرهنگ نفیسی نیز در معنای واژه تبعید آمده است: "مأخوذ از تازی به معنی دورکردگی و اخراج از شهر و بلد و به جای دور فرستادن است."<sup>۲</sup>

در فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی نیز تبعید این گونه تعریف شده است: "در لغت به معنی دور کردن و از محلی به محلی راندن است و معادل انگلیسی آن می‌شود:

Exile, Deportation, Banishment"<sup>۳</sup>

---

۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۳۷۳

۲- نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، ج ۲

۳- شاملواحمدی، محمدحسین، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ص ۱۱۶

## ۱-۲- معنای نفی

نفی یعنی طرد کردن، دفع کردن، تبعید کردن و کنار گذاشتن. نفی بلد یعنی راندن شخص (از شهری) به شهری.<sup>۱</sup> اصل نفی به معنای نیست کردن شخص به وسیله تبعید است.<sup>۲</sup>

همچنین در کتاب المنجد ذیل کلمه "نفی" بیان شده:

نَفَى يَنْفِي نَفْيًا عَنْهُ بِه معنای از آن کناره گرفت و دوری جست- نَفَاهُ عَنْهُ: از آن دورش

کرد- نَفَاهُ: او را طرد کرد- نَفَى الرَّجُلَ مِنْ بَلَدٍ: آن مرد را از شهری به شهر دیگر تبعید کرد.<sup>۳</sup>

در همین راستا مؤلف مجمع البحرین می نویسد:

"النَّفْيُ هُوَ الطَّرْدُ وَالدَّفْعُ؛ يُقَالُ: نَفَيْتُ الْحَصَى مِنْ وَجْهِ الْأَرْضِ، فَانْتَفَى؛ ثُمَّ قِيلَ لِكُلِّ كَلَامٍ تَدْفَعُهُ وَلَا تَثْبُتُهُ: نَفَيْتُهُ؛ وَمَنْهُ: نُفِيَ إِلَى بَلَدٍ أُخْرَى، أَيْ دُفِعَ إِلَيْهَا."<sup>۴</sup>

یعنی نفی به معنای طرد و دور کردن می باشد و گفته می شود: سنگریزه را از زمین برداشتم، پس دور شد و همین طور به هر کلامی که آن را نفی می کنی و اثبات نمی کنی، عبارت "نفیته" استفاده می شود. از این قبیل می باشد عبارت "نفی إلى بلد آخری" که به معنی دور شدن و اخراج از شهری به شهر دیگر می باشد.

---

۱- ابوالحسین، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۵۶؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۸؛ طوسی، محمد بن حسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۵، ص ۱۰۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۳۷؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۳۳۹؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۵۱۳

۲- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۸۷

۳- مصطفی رحیمی اردستانی، ج ۲، ص ۱۱۶۵

۴- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱: ۴۱۸، به نقل از کتاب "النفی و التفریب"، شیخ نجم الدین طوسی، ص ۱۷

ابن فارس نیز می‌گوید: "نَفْيٌ؛ يَدُلُّ عَلَى تَغْرِيبِ شَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ وَإِبْعَادُهُ مِنْهُ..."<sup>۱</sup> که

دلالت بر همان معنای دوری کردن چیزی از چیزی و دورشدنش از آن می‌کند.

در کتاب قاموس قرآن نیز ذیل معنای کلمه نفی چنین آمده:

"مراد از نفی در آیه ۳۳ سوره مائده نفی‌بلد و تبعید است و آن یکی از مجازات‌های

محارب (سارق مسلح) است. "نَفَاهُ مِنْ بَلَدٍ: أَخْرَجَهُ مِنْهُ وَسَيَّرَهُ إِلَى غَيْرِهِ" یعنی نفی‌بلد کردن

فرد به معنای خارج کردن او از شهر و فرستادنش به شهری دیگر است. این لفظ، فقط یک

بار در قرآن آمده است."<sup>۲</sup>

در کتب فقهی عبارت "نَفْيٌ مِنَ الْأَرْضِ" در خصوص تبعید محارب به کار رفته است

و این عبارت به معنای آن است که محارب از شهرش به شهر دیگر تبعید می‌شود، نه این که

از تمام زمین بیرونش کنند. علت به کار رفتن این عبارت آن است که محارب در جایی نباید

قرار و سکون داشته باشد و کسی که در هیچ کجا قرار و آرامش نداشته باشد گویا از تمام

زمین بیرون رفته است. چون زمین محل قرار و ثبات است.

### ۱-۳- معنای تغریب

تغریب یعنی تبعید (شخص) از وطن به غربت. "إِغْتَرَبَ" و "تَغَرَّبَ" یعنی به

سرزمین غربت رفت.<sup>۳</sup>

---

۱- ابوالحسین، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵: ۴۵۶، به نقل از کتاب "النفي و التغريب"، شیخ نجم الدین طیبی، ص ۱۷

۲- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۰۲-۱۰۳

۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۳۱ و ج ۳، ص ۲۹۹.

تغریب به معنای نفی بلد است، یعنی نفی و تبعید از شهری که جرم در آن واقع

شده.<sup>۱</sup>

در المنجد نیز چنین آمده: "غَرَبَ" به معنای دور شد، ترک وطن کرد- غَرَبَهُ: او را

دور کرد و کنارش زد، او را به ترک وطن وادار کرد، او را تبعید کرد- تَغَرَّبَ: ترک وطن

کرد- أَغْرَبَ: به شهرهای دور رفت.<sup>۲</sup>

همچنین از ابن اثیر نقل شده است: "التَّغْرِيبُ، النَّفْيُ عَنِ الْبَلَدِ الَّذِي وَقَعَتْ فِيهِ الْجُنَايَةُ،

يُقَالُ: أَغْرَبْتَهُ وَغَرَبْتَهُ إِذَا نَحَيْتَهُ وَأَبْعَدْتَهُ، وَالغَرَبُ: الْبُعْدُ"<sup>۳</sup>

تغریب به معنی دوری از شهری است که در آن جنایتی به وقوع پیوسته است.

زمانی که گفته می شود أَغْرَبْتَهُ وَغَرَبْتَهُ به این معناست که تو او را طرد و دور نموده ای و

غَرَبَ به معنی بعد و دوری می باشد.

## فصل ۲: مفهوم اصطلاحی تبعید

در کتاب فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی در تعریف اصطلاحی تبعید چنین

آمده است: "در لغت به معنی دور کردن و از محلی به محل دیگر راندن است و در اصطلاح

حقوق جزا نیز به همین معنی استعمال می شود. تبعید یکی از انواع رژیم های مجازاتی و

---

۱- طوسی، محمدبن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، ج ۴، ص ۳۴۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۳۸؛ فیض کاشانی،

محسن، الوافی، ج ۲۲، ص ۸۲۸.

۲- مصطفی رحیمی اردستانی، ترجمه المنجد، ج ۲، ص ۷۶۷.

۳- الجززی، مبارک ابن محمد، النهاية في غريب الحديث، ج ۵، ص ۱۰۱، به نقل از کتاب "النفي و التغريب"، شیخ نجم الدین طبری،

ص ۱۸.

تدابیر تأمینی است که از آن در جهت تأمین امنیت یک شهر یا منطقه و تنبّه مجرم و ایجاد ارباب در ذهن مجرمین بالقوه استفاده می‌شود. این اصطلاح در فقه اسلامی به نفی‌بلد مرسوم بوده و از اقسام مجازات محارب است.<sup>۱</sup>

و مرحوم علی اکبر دهخدا آورده است: "در اصطلاح حقوقی نوعی مجازات است، چنان که کسی را بنا به دستور محاکم دادگستری و یا سایر مراجع صلاحیت دار از شهر یا ناحیه ای اخراج کردن و یا شخص محکوم را مجبور ساختن که در محل خاصی در مدت محدودی سکوت اختیار کند و تبعیدی کسی است که به حکم مراجع قانونی نفی‌بلد شده باشد و یا آن که به سکونت در محل خاص محکوم گردد."<sup>۲</sup>

همچنین مؤلف فرهنگ فرهیخته می‌نویسد: "تبعید، ظاهراً از نظر قانونگذاری امری است تأدیبی ولی درواقع عبارت است از عملی جهت پیشگیری از اشاعه افکار فرد مورد نظر و دوری از آثار فکری منفی وی در امور اجتماعی، سیاسی و مذهبی. در مورد افراد شرور، تبعید به منظور تغییر محیط جرم و از بین بردن شرایط ایجاد جرم است و باید دقت نمود که تبعید دسته جمعی اصطلاح نادرست و کوچاندن یا سکنی دادن اقوام و قبایل با اهداف اقتصادی، اجتماعی و بعضاً سیاسی همراه است ولی به طور طبیعی این امر ممکن نیست."<sup>۳</sup>

و بنابراین معنای اصطلاحی تبعید برگرفته از معنای لغوی بوده و منافات چندانی با آن ندارد اما از دیدگاه فقه و حقوق و به ویژه فقه، برداشتهای گوناگونی در این خصوص مطرح شده که در قسمت‌های بعد به آن‌ها اشاره خواهیم نمود.

---

۱- شاملواحمدی، محمدحسین، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ص ۱۱۶.

۲- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، ج ۱۳، ص ۳۳۶.

۳- فرهیخته، شمس الدین، فرهنگ فرهیخته، ص ۲۷۰.

### فصل ۳: مفهوم حقوقی تبعید

تبعید، نوعی کیفر در فقه و حقوق است. تبعید در لغت به معنای "دور کردن" و در اصطلاح، مجازاتی است که به موجب آن فرد مجرم از اقامت در وطن و شهر خود ممنوع می‌شود و برای مدتی معین به سکونت در محل دیگری محکوم می‌گردد. این اصطلاح ظاهراً پس از مشروطه در ایران رواج یافته و امروزه در متون قانونی بسیار متداول است. لذا همان طور که گفته شد، مفهوم حقوقی تبعید همان برداشت مصطلح و رایج و نزدیک به معنی لغوی آن می‌باشد. چنان که در کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوق نیز در تعریف واژه تبعید آمده است: "تبعید: (=تغریب، ابعاد، نفی بلد) عبارت است از اخراج مجرم از محل ارتکاب بزه و یا از اقامتگاه وی (که غالباً در قدیم یکی بود). در صورتی که متفاوت باشد، او را از هر دو محل دور کرده و به جای دیگر می‌فرستند. تبعید در شرع یکی از حدود جرم زنا است."<sup>۱</sup> همچنین در کتاب فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی ذکر شده است:

"تبعیدی کسی است که به موجب حکم دادگاه به تبعید محکوم شده است. تبعیدی دارای لباس مخصوص بوده و حق مکاتبه و مرآده با خارج از تبعیدگاه را ندارد، مگر تحت نظر اولیای مؤسسه تبعید. همچنین مجبور است به انجام کارهایی که برای او تعیین می‌شود و باید شب‌ها را به تنهایی و در سلول بگذراند."<sup>۲</sup> البته این مطلب در مورد تبعیدگاه مخصوص مجرمین به عادت می‌باشد.

همچنین ماده ۵ قانون اقدامات تأمینی در تعریف تبعیدگاه مرقوم داشته است:

"محل نگهداری مجرمین محکوم به تبعید، مؤسسه ای است که از طرف دولت به

منظور نگاهداری مجرمین به عادت تأسیس گردیده است."

---

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، ص ۷۱۹.

۲- شاملواحمدی، محمدحسین، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ص ۱۱۷.



بنابراین مجازات تبعید، مجازاتی است که برای مدت معین بر محکوم‌علیه تحمیل می‌شود و طبق قانون محکومین به تبعید، باید تحت‌الحفظ به جایی که محکمه معین می‌کند اعزام شده و در آنجا تحت‌نظر بمانند. چنان‌که در خصوص تبعید محارب بیان شده: "کیفر محارب تبعید از محل اقامت وی است. او به هر کجا که رود، باید به محتسب محل بنویسند تا مردم را از حشر و نشر با وی منع کنند."<sup>۱</sup>

در قانون مجازات اسلامی در مواد ۸۷، ۲۰، ۱۳۸، ۱۹۳ و ۱۹۴ از کلمه تبعید و نفی‌بلد استفاده شده است ولی در موادی مانند ماده ۱۷، ۱۹ و ۲۰ از عناوین مشابه واژه تبعید از جمله اقامت اجباری، ممنوعیت از اقامت و اعزام مجرمین به عادت به تبعیدگاه و بالاخره اخراج استفاده گردیده که ظاهراً در رویه قضایی محاکم تفاوت چندانی بین آنها وجود ندارد.

هرچند که برخی از حقوقدانان بین تبعید و اجبار و منع از اقامت تفاوت‌هایی را برشمرده‌اند که از آن جمله است:

" ۱- تبعید همیشه یک مجازات اصلی است و مدت آن معین بوده ولی اجبار و منع از اقامت می‌تواند یک مجازات اصلی، تبعی، تکمیلی و اقدام تأمینی باشد.

۲- در شیوه اجرا، در تبعید فرد محکوم‌علیه باید تحت نظارت شدید باشد و اجازه معاشرت با دیگران را ندارد در حالی که محکوم به اقامت اجباری به این معنا تحت نظارت نیست و صرف اعلام حضور و ثبت آن در دفتر نیروی انتظامی محل کفایت می‌کند."<sup>۲</sup>

در خصوص تبعید مجرمین به عادت (کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا جنحه عمدی، دومرتبه یا بیشتر به بیش از دو ماه محکوم به حبس شوند و بعد از اجرای مجازات

---

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، ص ۷۱۹.

۲- مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوق، ص ۳۲۳.

دوباره مرتکب جرمی شوند که مستلزم مجازات حبس است) نیز ماده ۵ قانون اقدامات تأمینی نگاهداری آنان را در تبعیدگاه در کنار بقیه اقدامات، از موارد اقدامات تأمینی سالب آزادی می‌شمارد و باید به استناد ماده ۵، قوانین خاص محکومین به تبعید در مورد وی اجرا گردد و هر محکوم به تبعید باید اقلأ مدت ۳ سال و چنانچه مجازات تعیین شده بیش از سه سال باشد، لااقل باید به میزان مدت مجازات در تبعیدگاه به سربرند و بعد از این مدت چنانچه ثابت شود که ادامه تبعید لازم نیست، ممکن است بنابر پیشنهاد مدیر تبعیدگاه و درخواست دادستان، شخص تبعید شده از طرف دادگاه صادرکننده حکم به طور مشروط آزاد شود. مدت آزادی مشروط سه سال خواهد بود.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز قول مشهور را در زمینه مفهوم تبعید پذیرفته است که مقصودش از تبعید همان طرد از شهری به شهر دیگر می‌باشد، چنانکه در ماده ۱۹۴ ق.م.ا. آمده است:

مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست اگرچه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید، همچنان در تبعید خواهد ماند.

به هر حال ظهور تبعید در این معنا واضح است، چنانکه از ظاهر برخی روایات و اقوال فقها نیز مستفاد است که منظور آن است که تبعیدی نتواند در محل معینی مستقر باشد. اما از نظر ماهیتی میان صاحب‌نظران حقوقی اتفاق نظر وجود ندارد زیرا به عقیده برخی حقوقدانان "تبعید مجازات بوده و چیزی جز زندان نمی‌باشد".

برخی دیگر بر این اعتقادند که تبعید مجرمین نه به واسطه عملی است که مرتکب شده‌اند، بلکه ترس از خطرات آنها باعث طردشان می‌شود. یعنی به عقیده این گروه

خصوصیت طرد کنندگی که در تبعید وجود دارد، اگر با مراقبت‌های لازم بر محکومین اعمال شود بیشتر به یک اقدام تأمینی شباهت دارد تا کیفر.<sup>۱</sup>

به نظر گاروفالو، مجازات تبعید که مستلزم دوری از خویشان، دوستان و وطن است باعث ارباب مجرمین بالقوه شده، اثر بازدارنده شدید دارد.<sup>۲</sup>

با تأمل در نقطه نظرات حقوقدانان خارجی نیز چنین استفاده می‌شود که مقصود واقعی آن‌ها از تبعید در گذشته، همان اصطلاح قدیمی و رایج کوچاندن به طور دسته جمعی و طرد ابدی از جامعه و به تعبیری معدوم نمودن به اضافه مصادره اموالشان بوده است ولی این معنا بعدها در حقوق غربی تعدیل گردید.

اما مطلب قابل توجه در مفهوم حقوقی تبعید این است که برخلاف مفهوم اصطلاحی آن از منظر فقها در این معنا که تبعید عبارت از طرد نمودن از وطن است، تقریباً بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود دارد و حداقل تا قبل از انقلاب تبعید را کسی به زندانی نمودن تفسیر نمی‌نمود.

## فصل ۴: مفهوم فقهی تبعید

از لحاظ فقهی، ظاهراً اتفاق نظری در معنای تبعید وجود ندارد و اقوال متفاوت و متضادی مطرح شده که با اشاره به آن‌ها، قول منتخب را بیان می‌کنیم.

### ۴-۱- تبعید به معنای حبس

براساس روایت منقول از عیاشی، در دوران معتصم عده ای از راهزنان راه حجاج و دیگران را بستند و فرار کردند. عامل معتصم آن‌ها را طلبید و دستگیرشان نمود. سپس به

---

۱- گاروفالو، منقول از پایان نامه دوره دکترا اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق موضوعه ایران، خاکی، صفر، ص ۶۹.

۲- صانعی، پرویز، حقوق جزایی عمومی، ج ۲، ص ۱۸۸.

معتصم نامه نوشت. او نیز فقها از جمله ابن ابی داود را جمع کرد و حکم مسأله را از آن‌ها پرسید. آن‌ها در حضور امام جواد علیه‌السلام گفتند: خداوند حکم ایشان را در آیه "إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ..." بیان فرموده است. وی خطاب به امام جواد علیه‌السلام سؤال کرد و ایشان پاسخ فرمود: واجب است خلیفه ملاحظه کند که اگر راهزنان فقط راه را ناامن کرده‌اند و کسی را نکشته‌اند و مالی را نبرده‌اند، آن‌ها را زندان کند، زیرا معنای نفی کردن آن‌ها از زمین همین است.<sup>۱</sup>

در روایت دیگر آمده است: "هنگامی که راهزنان اقدام به راهزنی کنند و اسلحه بکشند، اما کسی را نکشند و مالی را نبرند و دستگیر شوند، زندانی می‌شوند تا بمیرند و این معنای نفی از روی زمین است."<sup>۲</sup> از نظر بعضی از فقها، آیه محاربه دلالت بر اثبات وجود زندان در احکام اسلامی دارد. به این استدلال که: "نفی کردن انسان از روی زمین به گونه حقیقی معقول نیست؛ چون به این منظور هر جا فرستاده شوند، همان‌جا نیز جزء زمین است. پس منحصرأ باید معنای نفی کردن، حبس کردن باشد؛ چون افراد در محبس نمی‌توانند مانند دیگر مردم در تصرف آزاد باشند."<sup>۳</sup>

ابوحنیفه، نفی را به این معنا آورده و ابن عابدین، مشروعیت حبس کردن از دیدگاه قرآن را با استناد به آیه مذکور ثابت می‌داند و ابن‌همام نیز بر همین نظر است.<sup>۴</sup>

ماوردی این قول را به ابوحنیفه و مالک نسبت می‌دهد و زیدیه نیز بر این قول اتفاق دارد و ابوزکریا یحیی ابن شرف شافعی معتقد است: "هرگاه امام بداند که گروهی از

---

۱- حرّعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳۵، ح ۸.

۲- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایت الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۲.

۳- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ص ۳۰.

۴- همان، ص ۳۱.